





علوم اجتماعی کنکور سراسری ۹۱

نگارش پاسخ: آذر محمودی

گزینه‌ی «۳» ۲۱۶

امروزه در اکثر کشورها، حاکمان در نقش دولت انجام وظیفه می‌کنند، اما همه‌ی آن‌ها اختیارات یکسانی «ندارند» (به‌عنوان مثال، بعضی از آن‌ها هنوز حقوق سلطان و امپراتور را دارا هستند). در مقابل، اگر به فرمانبران، شهروند گفته می‌شود، «به‌معنای آن نیست که در همه‌ی کشورها، شهروندان از حقوق یکسانی برخوردارند».

(درباره‌ی نقش پیش‌تر بدلیلیم، صفحه‌های ۵ و ۶)

گزینه‌ی «۳» ۲۱۷

در محیطی که نقش‌ها تغییر کرده‌اند، مانند خانواده‌ای که یکی از والدین فوت کرده یا اداره‌ای که ساختار تشکیلاتی آن تغییر کرده است، به‌رغم آموزش و اطلاع قبلی نسبت به وظایف نقش‌های خود، ممکن است فرد تا مدتی به‌دلیل «عدم اطلاع کافی از وظایف نقش خویش» و حقوق نقش‌های دیگر، نتواند به‌خوبی ایفای نقش کند.

فردی که یک نقش شغلی را می‌پذیرد اما درباره‌ی آن آموزش خاصی ندیده است، به‌دلیل «عدم آشنایی عمیق با وظایف آن نقش»، با افرادی که در نقش‌های مرتبط با آن نقش فعالیت می‌کنند، دچار اختلاف می‌شود. شخصی که بدون آشنایی با اصول مدیریت و وظایف سازمانی - و به عبارت دیگر، بدون «شایستگی» - سمت مدیریت را می‌پذیرد، با رفتار خود ممکن است موجب نارضایتی کارمندان زیردست و ارباب رجوع، اختلاف در اداره و عدم کارایی بخش خود شود.

(افراد در چه شرایطی نقش خود را به‌فوبی ایفا نمی‌کنند؟ و اگر افراد نقش خود را به‌فوبی ایفا نکنند، چه می‌شود، صفحه‌های ۲۱، ۲۲ و ۲۳)

گزینه‌ی «۲» ۲۱۸

سرمایه‌دار زمانی که با خیل عظیمی از کارگران مواجه باشد، سعی می‌کند از عرضی زیاد نیروی کار حداکثر استفاده را ببرد و به همین جهت، مزایا و دستمزدی که برای کارگر در نظر می‌گیرد، به حد بخور و نمیر تقلیل می‌یابد. متقابلاً کارگران که از این مسأله زیان می‌بینند، تلاش می‌کنند که با تشکیل اتحادیه به چانه‌زنی بر سر دستمزد خود بپردازند. در صورتی که این گفت‌وگو به ثمر نرسد، اعتصاب راه حل دیگری برای افزایش مزایای خود از ثروت است. در مقابل این اقدام، ممکن است سرمایه‌دار نیز «با استفاده از نفوذ خود در دولت و جلب نظر سیاستمداران به سرکوب کارگران بپردازد»؛ رهبران اعتصاب را دستگیر و عده‌ای از آن‌ها را از کارخانه اخراج کند و ...

(چرا مزایای اجتماعی به‌صورت نابرابر تقسیم می‌شوند، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

گزینه‌ی «۳» ۲۱۹

این امر که افراد هوشمندتر باید از احترام، قدرت و ثروت بیش‌تری برخوردار شوند، «هنجاری اجتماعی» است که در «بعضی جوامع» پذیرفته شده است و مبنایی است که افراد بر اساس آن می‌توانند به مزایایی فراتر از آن چه لازمه‌ی ایفای نقش آن‌هاست، دست یابند.

(درباری یا نابرابری، صفحه‌ی ۸۰)

گزینه‌ی «۴» ۲۲۰

«بخشی» از هویت ما را نقش‌هایی می‌سازند که به ما نسبت داده می‌شوند یا ما آن‌ها را برعهده می‌گیریم.

هویت فرد به نقش‌ها و عضویت گروهی وابسته است. تا آن‌جا که اگر او نقش جدیدی را بپذیرد و عضو گروه تازه‌ای شود، هویتش «تغییر می‌کند».

(هویت ما چگونه ساخته می‌شود و تغییر می‌کند، صفحه‌های ۱۰۲ و ۱۰۴)

گزینه‌ی «۱» ۲۲۱

موقعیت‌ها، امکان‌های متفاوت و متنوعی را برای فعلیت بخشیدن به خود و شناخت آن فراهم می‌کنند. اگر فرد در موقعیت‌هایی قرار گیرد که امکان فعالیت چندانی نداشته باشد، به‌تدریج خود را منفعل و مجبور تصور می‌کند اما اگر «در موقعیت‌هایی قرار گیرد که بتواند فعال باشد و بر موقعیت اثر بگذارد» (نه در همه‌ی موقعیت‌ها)، خود را فعال خواهد شناخت.

در زمان گفت و گو، افراد و گروه‌ها به‌رغم همه‌ی استدلال‌هایی که ارائه می‌شود، «می‌توانند» از قبول سخن طرف مقابل سرباز زنند. در این حالت، گفت و گو به سمت نوعی زورآزمایی میل می‌کند و در این زورآزمایی، طرفی که توانایی پیش‌تری دارد، می‌تواند حرف خود را به کرسی بنشاند.

(نقش «موقعیت» و «دیگران» در هویت‌یابی ما چیست، صفحه‌های ۱۱ و ۱۲)

گزینه‌ی «۲» ۲۲۲

یکی از عوامل مهم پیشرفت و توسعه‌ی جوامع، تأکید جوامع بر «خلاقیت و نوآوری» به‌عنوان یک ویژگی مهم برای تعریف خود است. در این جوامع، «کارآفرینی» به‌عنوان یک ویژگی مهم برای تعریف خود شناخته می‌شود و در «ارزش‌ها و باورهای جامعه»، تفاوتی مهم و متمایزکننده به‌حساب می‌آید.

(بهتر است خود را با کدام ویژگی‌ها تعریف کنیم، صفحه‌ی ۲۵)

گزینه‌ی «۱» ۲۲۳

همانند تعلق، افراد در داشتن تعهد به یک ویژگی (هویت) نیز با هم تفاوت «دارند»، بعضی نسبت به ویژگی‌ای که خود را با آن می‌شناسند، تعهد زیادی دارند اما در بعضی، این تعهد کم است یا نسبت به آن ویژگی، تعهدی ندارند.

ایرانی، نمونه‌ی فردی است که بیش‌ترین «تعهد» را به ایرانی بودن و مای ملی دارد.

معمولاً با افزایش تعلق افراد به یک ویژگی، تعهد به آن نیز افزایش می‌یابد. اما این امر همیشه صادق نیست.

به احتمال زیاد، درصد تعلق زیاد به یک موضوع بیش از میزان تعهد زیاد به آن است.

(ایران را چه قدر دوست داریم و در برابر آن احساس مسئولیت می‌کنیم، صفحه‌ی ۴۶)

گزینه‌ی «۱» ۲۲۴

قسمت اول: می‌توان گفت که افراد، فراتر از مزایایی که لازمه‌ی ایفای نقش آن‌هاست، به مزایایی دست می‌یابند که اگر چه نتیجه‌ی فعالیت آن‌ها در نقش‌های اجتماعی است، به‌دلیل وجود «هنجارها» فراتر از آن تداوم می‌یابد و افراد می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. بهره‌مندی افراد از این



۲۲۸. گزینه‌ی «۳»

«امپراتوری» را می‌توان شبیه‌ترین واحد اجتماعی به نظام اجتماعی دانست. امپراتوری، خلیفه، شاهنشاه، خاقان و ... در رأس امپراتوری قرار داشت. نخستین فرد هر سلسله، با اتکا به قدرت نظامی به قدرت می‌رسید و توسط «گروهی از اشراف» (نه افراد مسلح) حمایت می‌شد. سمت وی معمولاً به فرزندان او می‌رسید. او امپراتوری را توسط اشراف هم‌پیمان یا حاکمان وفادار به خود اداره می‌کرد.

(نظام جهانی، صفحه‌های ۴، ۵ و ۹)

۲۲۹. گزینه‌ی «۴»

در گذشته، هرگاه امپراتوری‌ای تشکیل می‌شد، «صنعتگران» را از گوشه و کنار فرا می‌خواند اما همین که امپراتوری رو به افول می‌گذاشت، صنعت هم رونق خود را از دست می‌داد. اما در شهرهایی که حیات آن‌ها به تجارت و صنعت وابسته بود، رشد صنعت از «سود و سرمایه‌ای که در اختیار بورژوازی قرار داشت»، متأثر می‌شد.

(تکوپن نظام جهانی، صفحه‌ی ۱۷)

۲۳۰. گزینه‌ی «۴»

برخلاف «امپراتوری‌ها» که واحدهای اجتماعی تشکیل‌دهنده‌ی آن‌ها از نظر اقتصادی تا حد زیادی «خودبسنده» بودند و فقط بخشی از مازاد خود را در قالب مالیات و ... در اختیار حکومت مرکزی قرار می‌دادند، در «مستعمره‌ها»، ضمن این که مازاد توسط حکومت به زور تصرف می‌شد، «اقتصاد آن‌ها نیز دگرگون می‌گردید»؛ زیرا مجبور بودند مواد مورد نیاز اقتصاد کشورهای اروپایی را تولید کنند.

(گسترش جغرافیایی نظام جهانی، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

۲۳۱. گزینه‌ی «۳»

به نظر می‌رسد که این سؤال دارای دو بخش است که در بخش اول، سؤال، موردی را می‌خواهد که از اهداف «دولت‌ها» در جهت تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی است و در بخش دوم، موردی را مد نظر دارد که از علل سرمایه‌گذاری «سرمایه‌داران» (غیر از دولت‌ها) در کشورهای دیگر است. با این وصف، گزینه‌ی «۳» صحیح است؛ زیرا در بخش اول این گزینه، «نزدیکی به محل فروش و مصرف تولیدات کارخانه‌ها» از اهداف دولت‌ها در زمینه‌ی تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی نیست و بخش دوم این گزینه نیز، علل سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران در سایر کشورها را بیان نموده است.

(جهانی شدن اقتصاد، صفحه‌های ۴۲ و ۴۳)

۲۳۲. گزینه‌ی «۱»

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی با کوتاه‌کردن فاصله‌ها و در نتیجه، نزدیک‌تر کردن راه‌های دور، امکان تعامل افراد را از فاصله‌ی زیاد در زمانی کوتاه فراهم آورده و موجب فشرده شدن زمان و مکان برای آن‌ها شده‌اند.

فناوری ارتباطی جدید، امکان شکل‌گیری گروه‌ها و ماهایی را فراهم آورده است که به حضور در مکان واحد نیاز ندارند. فناوری جدید، فضایی را

نوع مزایا نابرابر است. البته برخلاف نابرابری مزایا به دلیل «تقسیم کار و تفاوت نقش‌ها»، این نوع نابرابری (یعنی نابرابری به دلیل هنجارها)، لازمه‌ی تداوم حیات اجتماعی نیست و در بسیاری از موارد از عوامل اختلاف و ازهم پاشیدگی زندگی اجتماعی محسوب می‌شود. قسمت دوم: بر عهده گرفتن نقش‌ها، «یکی از مهم‌ترین» (نه لزوماً مهم‌ترین) راه‌های برخورداری از مزایا محسوب می‌شود.

(برابری یا نابرابری، صفحه‌های ۷۹ و ۸۰)

(در جامعه مزایا بر چه مبنایی توزیع می‌شوند؟، صفحه‌های ۵۸ و ۶۰)

۲۲۵. گزینه‌ی «۴»

در جوامع لیبرال، سهم جامعه یا دولت از ثروت تولید شده، اندک است، بنابراین، «باید سهم جامعه را افزایش داد» و این امکان را در اختیار دولت گذاشت تا با سهم بیش‌تری از ثروت که در اختیار آن قرار می‌گیرد، بخش‌های محروم‌تر جامعه را تقویت کند و سطح زندگی آن‌ها را بهبود بخشد. در این نوع جوامع، سهم جامعه از ثروت تولید شده، معمولاً به صورت «مالیات» در اختیار دولت قرار می‌گیرد. و دولت، بخشی از مالیات اخذ شده را برای «بهبود وضع تولید» و ایجاد شرایط تولید بیش‌تر و بخشی را برای بهبود بخشیدن به زندگی «بخش‌های محروم‌تر جامعه» (نه همه‌ی آحاد جامعه) صرف می‌کند.

(تراکم ثروت چگونه شکل می‌گیرد؟، صفحه‌ی ۷۵)

۲۲۶. گزینه‌ی «۲»

احساس بی‌قدرتی و بی‌اعتنا شدن نسبت به آنچه در عرصه‌ی سیاسی می‌گذرد، به تدریج به بیگانگی از نظام سیاسی می‌انجامد. افراد «به عرصه‌ی محدود زندگی شخصی، خانوادگی و شغلی خود محدود می‌شوند» و با حکومت، به عنوان بیگانه‌ای برخورد می‌کنند که باید خود را از مزاحمت و شر آن مصون نگه داشت.

تراکم قدرت در یک یا چند نقش در نظام سیاسی، موجب «کاهش سهم سایر نقش‌های سیاسی از قدرت» می‌شود.

تراکم قدرت در بعضی از نقش‌ها، سبب می‌شود تا افرادی که از قدرت «محروم» هستند (نه لزوماً افرادی که قدرت کم‌تری دارند)، به‌طور مداوم خود را در معرض تهدید آن قدرت بدانند و به اضطراب و ترس دچار شوند.

(تراکم قدرت چه پیامدهایی دارد؟، صفحه‌های ۸۶ و ۸۷)

۲۲۷. گزینه‌ی «۱»

تمهید دیگری که در مردم‌سالاری برای جلوگیری از تراکم قدرت در نظر گرفته می‌شود، «محدودیت در زمان تصدی نقش‌ها» بی‌است که کنترل زیادی بر نقش‌های دیگر دارند و این امر، غیر از تفکیک قوا و کارکردهای آن است.

(در چه شرایطی تراکم قدرت در نظام اجتماعی کاهش می‌یابد؟، صفحه‌های ۹۳ و ۹۴)

فراهم می‌آورد که افراد در آن می‌توانند خود را با دیگران مقایسه کنند، شباهت و تفاوت‌های خود را با دیگران بشناسند، تشکیل «ما» دهند و تأیید دیگران را هم در این فضا بگیرند.

گسترش فناوری ارتباطی، امکان کنترل آن‌ها را بر فرهنگ، هویت‌یابی و اعضای آن‌ها کاهش می‌دهد، در مقابل، این امکان را نیز برای افراد فراهم می‌آورد که بتوانند در عین زیستن در قلمروی سرزمینی یک دولت - ملت، در جهان زندگی کنند.

(دهکده‌ی جهانی (۱)، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

۲۳۳. گزینه‌ی «۲»

در کنار ساختار اقتصادی مرکز - پیرامون، که به برخورداری و تراکم مزایا در کشورهای مرکز می‌انجامد، باید به شرایط «سیاسی» ای اشاره کرد که کشورهای مرکز برای «حفظ مزایا و ممانعت از تغییر شرایط» ایجاد کرده‌اند و آن، ایجاد انحصارهای پنج‌گانه است. دولت‌های مرکز که زمانی در قالب «استعمار و حمایت از شرایط تجارت تعرفه‌ای»، به حفظ و تداوم رابطه‌ی مرکز و برتری کشور خود بر دیگران کمک می‌رساندند، امروزه با ایجاد انحصار در اموری که می‌توانند به تغییر شرایط و جایگاه آن‌ها بینجامد، در جهت حفظ وضع موجود عمل می‌کنند.

(لایبراری در نظام جهانی (۲)، صفحه‌ی ۸۴)

۲۳۴. گزینه‌ی «۴»

در سند امنیت ملی آمریکا در قرن بیست و یکم، درباره‌ی خاور نزدیک بزرگ چنین اظهار نظر شده است: «مکانی با بزرگ‌ترین منبع سوخت فسیلی و نیز قدرت‌های جاه‌طلب بی‌شماری که برای به‌دست آوردن برتری منطقه‌ای تلاش می‌کنند. خاور نزدیک بزرگ، سرزمینی است که ایالات متحده در آن هم‌پیمانان کلیدی و منافع مهم دارد و نیز جنگ افزارهای کشتار جمعی در آن در حال گسترش است...». بر این اساس، آمریکا برای حفظ سلطه‌ی خود تلاش می‌کند تا بر این منطقه مسلط شود و قدرت‌های جاه‌طلب این منطقه را کنترل کند. در این میان، «ایران» یکی از این قدرت‌هایی است که تلاش می‌کند به یک «قدرت منطقه‌ای» (نه جهانی) تبدیل شود. ضمن این که ایران خاستگاه اسلام انقلابی یا اسلام مبارز نیز هست که از نظر آمریکا یک خطر محسوب می‌شود.

(بازی در نظام جهانی، صفحه‌ی ۹۵)

۲۳۵. گزینه‌ی «۲»

از جمله پاداش‌های پیشنهادی سه کشور اروپایی، حمایت «سیاسی» (نه اقتصادی) از عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی بود.

(روش‌ها و وسایل دست‌یابی به اهداف، صفحه‌های ۱۰۹ و ۱۱۰)